

الزامات سیاسی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت جلال درخشه^۱

بی‌تردید یکی از مسائل اساسی جوامع بشری در جهان جدید، توسعه و پیشرفت است؛ موضوعی که به تدریج در قرن بیستم و به ویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دغدغه مشترک اکثر کشورهای توسعه‌نیافته درآمد. برای پاسخگویی به این دغدغه مهم، الگوهای مختلف توسعه شکل گرفت. امروزه، ادبیات توسعه، دربرگیرنده همین الگوها، نظریه‌ها و اهدافی است که در پی توضیح چگونگی پیشرفت کشورها است. در عین حال باید تأکید کرد که هر جامعه‌ای برای رسیدن به جایگاه مناسب و کسب پیشرفت باید الگویی متناسب با شرایط و ویژگی‌ها، استعدادها، امکانات و الزامات بومی خود در عرصه‌های گوناگون طراحی و انتخاب نماید. به عبارت دیگر نمی‌توان برای وصول به هدف توسعه ملی و تاریخی صرفاً مدلی یک‌بُعدی مد نظر قرار داد زیرا چنین نوع توسعه‌ای نامتوازن و ناهمگون خواهد بود. طرح بحث الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت توسط مقام معظم رهبری، بیان‌کننده این مهم است که برای جامعه ایران که به دنبال تمدن‌سازی نوی اسلامی و ایرانی است، پیشرفت باید دارای ابعاد گوناگون و مطابق با نیازها و شرایط بومی باشد. از این رو در جهت ساختمان نمودن این مهم، الگویی کامل و همه‌جانبه ضروری است؛ الگویی که بر انگاره‌ها و اهداف جامعه ایرانی شکل گیرد. بدین منظور، تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت را باید یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در مسیر مشخص شدن مسیر توسعه و پیشرفت در جهت تحقق آرمان‌های تاریخی ملت ایران و انقلاب اسلامی ارزیابی نمود، الگویی که باید راهنمای عملی نظام تلقی گردد. تجربه سی و چند ساله نظام، اکنون این زمینه را فراهم آورده است تا برای تعالی و پیشرفت جامعه ایرانی الگویی بومی طراحی گردد. بدیهی است طراحی چنین الگویی مستلزم در نظر گرفتن الزامات خاصی است. بحث حاضر می‌کوشد الزامات سیاسی چنین الگویی را به صورت مختصر در دو بُعد سیاست داخلی و خارجی مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی-ایرانی، پیشرفت، الزامات سیاسی

^۱ دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام